

بررسی تطبیقی «صدور انقلاب» در گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران

عنایت الله یزدانی^۱

جمیل اخجسته^۲

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ منشاء تحولات عظیمی در منطقه و جهان گردید. این رویداد تأثیرات زیادی در بیداری مسلمانان جهان و احیای باورهای دینی داشت. یکی از دستاوردهای انقلاب در منطقه و جهان، صدور انقلاب اسلامی است که در آن، جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب اصل دعوت صدور انقلاب را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده و حتی صدور انقلاب به عنوان یک اصل و هدف در سیاست خارجی در آمده است و تقابل انگاره‌ها در اداره امور کشور و مدیریت کلان در عرصه داخلی و خارجی نمود پیدا کرد؛ به طوری که می‌توان الگوهای مختلفی از صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران را برشمرد.

نوشتار پیش‌رو در مقام پاسخگویی به این سؤال است که رویکرد نخبگان حاکم در ایران نسبت به سیاست صدور انقلاب در هر دوره چگونه بوده است؟ به نظر می‌رسد که نمی‌توان الگوی مشترکی از صدور انقلاب در سیاست خارجی ایران در دوره‌های مختلف پیدا کرد. در حالی که در دهه اول، ضمن مخالفت عده‌ای با صدور انقلاب گفتمانی آرمان‌گرا و ارزش‌محور بر سیاست خارجی حاکم بود و بر صدور انقلاب به هر طریقی تأکید داشت. بعد از جنگ هشت ساله، رویکردی درون‌نگر و واقع‌گرا در سیاست خارجی حاکم شد که بیشتر به دنبال ارائه مدلی نمونه از انقلاب اسلامی بود تا دیگران بتوانند از آن الگوبرداری کنند. لازم به ذکر است که الگوی صدور مسالمت‌آمیز انقلاب در تمامی گفتمان‌های سیاست خارجی بر الگوی صدور قهرآمیز غلبه داشته است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، صدور انقلاب، سیاست خارجی، آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی،

الگوسازی

Email: Yazden 2006@yahoo.com

Email: Akjasteh@yahoo.com

تاریخ تصویب نهایی: ۹۱/۶/۱

۱- دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۱۴

مقدمه

صدور انقلاب از پیامدهای طبیعی انقلاب‌هاست و هر انقلابی بعد از به ثمر رسیدن تأثیراتی بر محیط پیرامون خود می‌گذارد و در پی معرفی دستاوردهای خود به دیگران می‌باشد، انقلاب ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و تلاش دارد تا علاوه بر ایجاد یک جامعه نمونه و منسجم در داخل، دستاوردهای خود را اعم از عملی و نظری صادر نماید. صدور انقلاب طرحی است برای برقراری ارتباط با توده‌های مردم و ایجاد حس بیداری اسلامی در بین مسلمانان و حمایت از نهضت‌هایی که در راستای این بیداری گام برمی‌دارند. جمهوری اسلامی ایران در این راستا در پی ایجاد ارتباط با سایر ملت‌ها برای معرفی اصول و ارزش‌ها و تبیین اهداف و سیاست‌های خود است، و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش کرد تا علاوه بر مسلط ساختن گفتمان انقلاب اسلامی در داخل آن را به خارج از مرزهای جغرافیایی کشور تسری دهد.

با پیروزی انقلاب و تشکیل دولت، بحث صدور انقلاب به یکی از موضوع‌های مهم جامعه انقلابی ایران تبدیل شد. انقلاب ایران که برآمده از مکتب جهانشمول اسلام بود، نمی‌توانست به مرزهای جغرافیایی ایران محدود شود. از طرف دیگر، انقلاب ایران با به چالش کشیدن ایدئولوژی‌های شرقی و غربی و تلاش برای کسب استقلال از آن‌ها، ملت‌های جهان به ویژه محرومین و مظلومین را خطاب قرار داد. از این جهت بود که رساندن پیام اسلام و انقلاب به گوش جهانیان به عنوان یک «رسالت و وظیفه انقلابی» در دستور کار سیاست خارجی قرار گرفت.

صدور انقلاب در دوره‌های مختلف رویکردهای متفاوتی را تجربه کرده است که شاخص‌ترین آنها را می‌توان ذیل دو عنوان آرمان‌گرا و واقع‌گرا ذکر کرد. در حالی که آرمان‌گرایان با دیدی انقلابی معتقد به صدور انقلاب و دستاوردهای آن به خارج هستند، واقع‌گراها بیشتر تأکید خود را متوجه حوزه داخلی و ارائه مدلی نمونه از انقلاب نموده‌اند که دیگران از آن استقبال کنند. نوشتار پیش‌رو در پی بررسی الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است و در پی نشان دادن تفاوت دیدگاه‌های نخبگان سیاسی در مورد سیاست صدور انقلاب در ادوار مختلف و بررسی میزان موفقیت و کارآمدی هر یک از دیدگاه‌ها و در نهایت در پی نشان دادن دیدگاه غالب صدور انقلاب در سیاست خارجی

ایران است. تبیین بیشتر موضوع در دو بخش صورت می‌گیرد: در بخش اول، کلیات و مبانی نظری صدور انقلاب را بررسی می‌کنیم، و در بخش دوم، رویکرد دولت‌های ایران بعد از انقلاب و دیدگاه نخبگان حاکم نسبت به صدور انقلاب را مورد بحث قرار می‌دهیم.

۱. مبانی نظری صدور انقلاب

۱.۱. معنا و مفهوم

پایه صدور انقلاب در ادبیات روابط بین‌الملل، بعد از عهدنامهٔ وستفاليا قرار دارد. صدور انقلاب نه تنها منحصر به انقلاب ایران نیست، بلکه به عنوان بخشی از رسالت برون مرزی همه انقلاب‌ها تلقی می‌گردد (محمدی، ۱۳۸۵: ۶۰). انقلاب فرانسه الهام‌بخش اکثر دموکراسی‌های اروپایی بوده است و انقلاب روسیه هم بر انقلاب‌های چین و کوبا تأثیر گذاشته است. بیشتر صاحب‌نظران هم بر تأثیرات انقلاب ایران در خاورمیانه تأکید کرده‌اند (Eddin, 2002: 96). مفهوم صادر کردن انقلاب از نظر روح‌الله رضوانی، چه در انقلاب اسلامی پیامبر(ص) که می‌تواند وجهی قدسی داشته باشد و چه در انقلاب‌های آمریکا، فرانسه و روسیه که دنیوی و غیرمذهبی بوده‌اند، نتیجهٔ قهری پدیدهٔ انقلاب در سراسر تاریخ جهان است که برای انقلاب ایران نیز صدق می‌کند (رضوانی، ۱۳۸۸: ۵۵).

صدور انقلاب ایران را می‌توان به معنای ترویج گفتمان انقلاب اسلامی دانست که به دلیل ماهیت جهانشمول دین اسلام به نوعی متضمن آگاهی‌بخشی و رهایی‌بخشی دیگران است (دهقانی فیروز آبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۲۸). صدور انقلاب اسلامی به عنوان یک اصل در سیاست خارجی مطرح است که با الهام‌گیری از آموزه‌های اصیل اسلامی نظیر حمایت از مظلومان و مستضعفان و نفی سلطهٔ طاغوت و استکبار در پی رهایی مظلومان از بند استکبار و رساندن پیام انقلاب ایران به جهانیان است. در واقع، انقلاب اسلامی فقط پدیده‌ای تاریخی نیست که در بهمن ۱۳۵۷ اتفاق افتاده باشد بلکه مهم‌تر از آن آغاز یک گفتمان جهان‌شمول و رهایی‌بخش، و نویدبخش آزادی و مبارزه علیه ظلم در جهان بود. صدور انقلاب اسلامی و دعوت از تمامی جهانیان برای آشنا شدن با مبانی انقلاب هدف اصلی سیاست خارجی ایران است (ملکی، ۱۳۸۵: ۶۸). در واقع، تداوم انقلاب در گرو صدور آن است که به عنوان یکی از مسؤولیت‌های وزارت امور خارجه می‌توان آن را مطرح ساخت.

در همین راستا، یکی از وظایف اصلی دولت اسلامی - بالاخص در دورانی که سلاح تبلیغات و فرهنگ جایگزین اسلحه آتشین شده است - اصل دعوت می‌باشد. تعطیل کردن اصل دعوت به شکل دایم چیزی جز اعلام انصراف از ارزش‌های ایدئولوژیک نیست. به همین سبب، تصور نمی‌شود ضرورت یا مصلحتی چنان قوی باشد که بتواند مهم‌ترین وظیفه دولت اسلامی را برای همیشه تعطیل نماید (حقیقت، ۱۳۷۶: ۴۶۱). به این ترتیب، مبارزه برای ایجاد اتحاد واقعی و پیوند عقیدتی میان ملل اسلامی یک رسالت جهانی است که انقلاب اسلامی ایران به دوش کشیدن بار آن را یکی از اهداف و آرمان‌های خود قرار داده است (Benard & Khalilzad, 1984: 147). در اینجا اتحاد و پیوند مقدم بر هرگونه انفصال و جدایی است و اصلاً هدف از صدور انقلاب ایجاد یک حس مشترک بین مسلمانان و ملل محروم و ستمدیده در مرحله اول و سایر ملت‌ها در مرحله بعدی است.

می‌توان گفت همان‌گونه که دولت اسلامی انجام امور داخلی را وظیفه خود می‌داند، در قبال مسائل خارج از مرزها نیز مسؤولیت‌هایی را متوجه خود می‌داند. انقلاب اسلامی ایران نیز با بهره‌گیری از یک ایدئولوژی فراملی بر پایه اسلام و براساس تکلیف اسلامی به گسترش اصول و مبانی اصلی خود اقدام کرده است. ماهیت اسلامی انقلاب ایران، ایدئولوژی اسلامی این انقلاب را از همان آغاز به یک ایدئولوژی فراملی تبدیل ساخته بود، یک ایدئولوژی با محتوا و پیام جهانی که حداقل در میان یک میلیارد مسلمان دارای گوش‌های شنوا و قلب‌های پذیرنده بود (خرمشاد، ۱۳۸۱: ۶۷-۶۶). طرح مسأله صدور انقلاب از همان آغاز اختلاف‌نظرهایی را در داخل جامعه و در بین نخبگان حاکم موجب شد که بر سیاست خارجی کشور ما نیز بازتاب داشت. تا جایی که طرح این مسأله از سوی رهبران انقلاب در روزهای آغازین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بیشترین اصطکاک را با غرب و هم‌چنین با حکومت‌های وابسته در جوامع اسلامی ایجاد کرد، هر چند برداشتها و برخوردهای یکسانی نیز در اجرای این هدف در داخل پدید نیامد (محمدی، ۱۳۸۵: ۶۱). در واقع، این مسأله هم در داخل و هم در خارج از کشور محل مناقشه بوده است و همواره بر تصمیم‌گیری در سیاست خارجی تأثیرگذار بوده است.

روح‌الله رضانی هدف از صدور انقلاب ایران را چنین ذکر می‌کند: «صدور انقلاب در کوتاه مدت، وسیله‌ای برای دفاع از جمهوری اسلامی و تأمین امنیت آن به ویژه در خلیج فارس است

و در دراز مدت، وسیله‌ای برای استقرار نهایی نظم جهانی زیر چتر عدالت اسلامی است» (رضائی، ۱۳۸۸: ۶۵). بنابراین، صدور انقلاب اسلامی ایران گفتمانی اسلامی و فراملی و جهان-شمول است که الهام‌بخش ملت‌های مسلمان و مستضعف می‌باشد.

۱-۲. دیدگاه‌ها و نظریه‌های مطرح شده در باب صدور انقلاب

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و طرح مسأله صدور انقلاب، نظریات و برداشت‌های متفاوتی از این سیاست صورت گرفت و هر یک تلاش می‌کردند صدور انقلاب را از دیدگاه خود توجیه و تفسیر نمایند. با وجود این، عده‌ای هم اعتقادی به صدور انقلاب نداشتند و انقلاب را فقط در چهارچوب مرزهای ملی بررسی می‌کردند. به طور کلی، دیدگاه‌های موجود در مورد صدور انقلاب را می‌توان در سه دسته تقسیم بندی کرد:

۱- دیدگاه ملی‌گرایی و ناسیونالیسم؛ این دیدگاه مخالف صدور انقلاب است و معتقد است انقلاب فقط در چهارچوب مرزهای ملی قابل قبول است و باید از ایجاد حساسیت جهانی دوری جست.

۲- دیدگاه انقلابیون، که دیدگاهی ایدئولوژیک و آرمان‌گرا بود و با شعار اسلام مرز نمی‌شناسد و دارای رسالت جهانی است، به دنبال گسترش افکار و ایده‌های انقلابی حتی به قیمت اعمال زور و خشونت بودند.

۳- دیدگاه سوم را می‌توان یک دیدگاه میانه‌رو و واقع‌گرا دانست. این دیدگاه معتقد است که اول باید در داخل یک جامعه نمونه و الگو بسازیم تا دیگران از آن الگوبرداری کنند (محمدی، ۱۳۸۵: ۶۶-۶۱).

نوشتار پیش‌رو بر آن است تا نشان دهد که دیدگاه سوم و تلاش برای الگوسازی همواره در اولویت سیاست صدور انقلاب بوده است و ضمن نشان دادن ناکامی دو دیدگاه اول، سیاست الگوسازی در داخل و عرضه توانمندی‌ها و دستاوردهای انقلاب به دیگران بر پایه قدرت نرم انقلاب اسلامی را به عنوان دیدگاه غالب و پایه تحقیق پیش‌رو می‌داند و تأکید دارد که سیاست صدور انقلاب اسلامی ایران در صورتی با استقبال دیگران مواجه می‌شود که مدل تجربه شده و موفق آن را در داخل کشور ببینند و به ارزش و اهمیت دستاوردهای آن پی ببرند. در این صورت، استفاده از تجربیات ایران و اشاعه آرمان‌های انقلاب اسلامی با استقبال دیگران روبه‌رو

می‌شود. نظریه "ام‌القرای اسلامی" یکی از نظریه‌های مطرح شده در مورد صدور انقلاب است که توسط جواد لاریجانی مطرح شده و در آن بر نقش ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام تأکید شده است. در واقع، کشوری ام‌القرای جهان اسلام می‌شود که دارای لیاقت رهبری کل امت باشد و ملاک اصلی ولایت است، نه موقعیت استراتژیکی و امثال آن، و این کشور باید سطح رهبری خود را از مرزهای جغرافیایی‌اش فراتر ببرد (صدقی، ۱۳۸۶: ۸۱). در این دیدگاه، ایران به عنوان رهبر کشورهای اسلامی شناخته می‌شود که برای نجات مظلومین و رهایی محرومین و گسترش اسلام تحت امر ولایت در خارج از مرزهای ملی فعالیت می‌کند. البته، این نظریه حفظ ام‌القرای را بر هر امر دیگری ارجح می‌داند و تأکید اولیه آن بر جامعه داخلی است که لازم است به عنوان الگو و نمونه ساخته شود.

مسأله صدور انقلاب همواره مورد بحث و مناقشه بوده است. به ویژه در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اختلاف نظرها در مورد صدور انقلاب در بین نخبگان حاکم کاملاً مشهود است. اما بعد از پشت سر گذاشتن شرایط انقلابی و شروع جنگ نیاز به انسجام و یکپارچگی بیشتر احساس شد و تقریباً بر توجه به سیاست صدور انقلاب اجماع صورت گرفت. در مقابل این اجماع، در بیرون هم به نوعی اجماع علیه انقلاب اسلامی شکل گرفت که در جنگ تحمیلی و حمایت دیگر کشورها از عراق خود را نشان داد، چرا که بسیاری از کشورها وجود ایرانی انقلابی و مستقل در منطقه را بر نمی‌تابیدند و به شدت از گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی نگران بودند. زیرا انقلاب ایران سکولارسازی در منطقه را به چالش کشیده بود و مذهبی‌گرایی را در برابر آن قرار داده بود (Fox, 2008: 19) و گفتمان جدیدی را مطرح کرده بود که نه بر پایه اصول پذیرفته شده شرقی و غربی، بلکه مستقل و برآمده از اصول اسلامی و دینی بود و این برای کشورهای غربی که حفظ خاورمیانه را برای خود حیاتی می‌دانستند، قابل هضم نبود. تا جایی که مارگارت تاچر نخست وزیر اسبق انگلستان خطر ایران را بیشتر از شوروی می‌دانست و می‌گفت: «غربی‌ها از شوروی واهمه ندارند، چون در مقابل سلاح‌های نظامی ویرانگر شوروی ما نیز به سلاح‌های مدرن مجهزیم، اما از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب ایران نگرانیم» (خرمشاد، ۱۳۸۱: ۷۲). این اظهار نظر به خوبی بیانگر این نکته مهم است که تفکر اسلامی انقلاب ایران بسیار مهم‌تر از دستاوردهای عملی و فیزیکی آن برای کشورهای منطقه است، پدیده‌ای که

نمی‌توان با جنگ و تهدید نظامی جلوی آن را گرفت، به همین دلیل بود که جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی علیه انقلاب اسلامی را شروع کردند تا از گسترش این گفتمان جدید جلوگیری کنند. بر این اساس، دیدگاه‌های مقابله با صدور انقلاب را هم می‌توان برشمرد؛ که در آن عده‌ای معتقد به مقابله سخت‌افزاری و اقدام نظامی علیه ایران، و عده‌ای هم معتقد به اقدام نرم‌افزاری و هدف قرار دادن فرهنگ و تفکر انقلاب اسلامی یا همان «تهاجم فرهنگی» هستند.

۱-۳. ابزارها و شیوه‌های صدور انقلاب

بدون تردید، بازتاب انقلاب اسلامی در خارج از مرزهای ایران می‌تواند نشان دهنده پویایی انقلاب و سیاست داخلی باشد و اگر صدور انقلاب یک وظیفه انقلابی و یک تکلیف است، موفقیت آن مرهون ارائه یک الگوی کارآمد و موفق داخلی است. در واقع، می‌توان گفت که صدور انقلاب فقط انتقال افکار و اندیشه‌ها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی نیست، بلکه حتی شیوه‌های اجرایی، مدل اقتصادی و فرهنگی و اهداف و استراتژی‌های سیاسی را هم در برمی‌گیرد. صدور انقلاب در مکانیسم عمل ملت‌ها را، و نه صرفاً حکومت‌ها را مورد توجه و خطاب قرار می‌دهد، و هدف اصلی از طرح آن این است که ملت‌های محروم و مستضعف از آموزه‌های انقلاب اسلامی بهره‌جسته و به سلطه دیکتاتورها، امپریالیسم و استکبار پایان دهند. انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن از آغاز پیروزی اساس و پایه صدور انقلاب خود را بر این قرار داده بود که با الگوسازی و آموزش و تبلیغ بدون دخالت در امور داخلی سایر کشورها و جوامع زمینه خودجوش خیزش و حرکت ملت‌های مسلمان را فراهم آورد (محمدی، ۱۳۸۵: ۷۲). در چهارچوب گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی ایران الگوهای مختلفی برای صدور انقلاب به وجود آمد که بر ابزارها و شیوه‌های مختلفی برای صدور تأکید داشتند. با این وجود، این سؤال مطرح است که آیا استفاده از زور و اجبار در صدور انقلاب مجاز است؟ باید گفت که دیدگاه غالب در صدور انقلاب همواره مسالمت‌آمیز بوده است و هیچ‌گاه استفاده از اقدامات و مداخلات علنی در دیگر کشورها به طور رسمی در دستور کار سیاست خارجی قرار نگرفته است. به طور کلی، شیوه‌های صدور انقلاب اسلامی را می‌توان تحت عنوان شیوه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری بدین ترتیب برشمرد:

۱-۳-۱. شیوه‌های نرم‌افزاری و مبتنی بر قدرت نرم: می‌توان گفت که پیروزی انقلاب اسلامی ایران برپایه قدرت نرم بود که ریشه در اعتقادات و باورهای الهی و دینی مردم داشت و توانست بر قدرت‌های سخت‌افزاری پیروز شود. در این راستا، یکی از راه‌های مؤثر برای صدور انقلاب تکیه بر قدرت نرم ایران و بهره‌گیری از آن است تا بتوان با استفاده از فرهنگ اسلامی و ارزش‌های اخلاقی و پیام‌های انقلاب بر رفتار دیگران اثر گذاشت.

«نای»^۱ منابع قدرت نرم را به سه دسته تقسیم می‌کند: فرهنگ، ارزش‌های بنیادین و سیاست‌ها (Nye, 2004:12-15). اهمیت و توانمندی قدرت نرم بیشتر بستگی به منابع آن دارد، که این منابع در دنیای مادی‌گرای غرب بسیار اندک و روینایی می‌باشد و در عین حال در جهانی که منشأ قدرت عوامل غیرمادی و به طور عمده ریشه در اعتقادات و باورهای الهی و دینی دارد، می‌تواند قدرت‌های سخت‌افزاری را تحت‌الشعاع قرار داده و بر آن‌ها چیره شود و این چیزی است که در پیروزی انقلاب اسلامی و اقتدار روزافزون آن اتفاق افتاده است (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۷).

۱-۳-۱. تأکید بر پتانسیل‌های اسلامی و توانایی‌های ایران به عنوان یک بازیگر مؤثر در منطقه و جهان اسلام

ایران به عنوان یک کشور مهم اسلامی از دیرباز کانون تحولات بزرگی در منطقه بوده است. موقعیت ایران از نظر ژئوپلتیکی و قرار گرفتن در مسیر بین شرق و غرب و دسترسی به آب‌های آزاد و همچنین داشتن ذخایر معدنی غنی می‌تواند این امکان را فراهم نماید که به عنوان یک بازیگر مهم در منطقه نقش ایفا کند. انقلاب اسلامی با دستاوردهای منحصر به فردی همچون احیای بیداری اسلامی، اعطای خودباوری فرهنگی، مطرح کردن ژئوپلتیک جهان اسلام (دهشیری، ۱۳۸۳: ۳۹-۳۴) می‌تواند تأثیرات مهمی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد. برای مثال، شیخ اسعد تمیمی از رهبران فلسطینی معتقد است که انقلاب ایران این واقعیت را که «اسلام راه حل و جهاد وسیله اصلی است» را به سرزمین فلسطین وارد کرد (منشاری، ۱۹۹۰: ۱۹۳).

^۱. Nye

انقلاب ایران با طرح شعار نه شرقی نه غربی از بازیگران مستقل خاورمیانه است و از این نظر می‌تواند الگویی برای ملت‌های منطقه باشد که می‌خواهند از زیر سلطه حکومت‌های دست‌نشانده بیرون آیند و مستقل باشند. ایران از جمله محدود کشورهای منطقه است که در آن انتخابات برگزار می‌شود و نظامی دموکراتیک بر آن حاکم است و در همین راستا می‌تواند با شعار دموکراسی دینی و گفتگوی تمدن‌ها به عنوان میانجی بین دنیای سکولار غرب و منطقه بنیادگرا نقش ایفا کند (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۹۷). همچنین، عضویت ایران در سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی مثل سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش غیرمتمهدها و ایفای نقش فعال در آن‌ها می‌تواند در معرفی انقلاب ایران و دستاوردهای آن مؤثر واقع شود.

۱-۳-۲. استفاده از ابزار فرهنگ و تمدن: تأکید بر فرهنگ و تمدن ایران از دیگر شیوه‌های مؤثر برای صدور انقلاب است، ایران کشوری با سابقه تمدنی قدیمی و غنی است و فرهنگ و تمدن ایران به عنوان یک کشور باستانی و نقش آفرین در تمدن جهانی می‌تواند تأثیر عمیقی بر سیاست خارجی داشته باشد (Sampson, 1987: 385-395). در واقع، گفتمان فرهنگی و تأکید بر فرهنگ همواره در صدور انقلاب به عنوان یک راهکار مطرح بوده است. راهکارهایی همچون شفاف‌سازی در سیاست خارجی و ابهام‌زدایی در برنامه‌ها، ایجاد یک گفتمان فرهنگی و عقلانی مناسب و برگزاری کنگره‌ها و سمینارهایی مثل بیداری اسلامی در تهران، همچنین استفاده از رسانه‌ها مثل شبکه‌های ماهواره‌ای و مطبوعات برای رساندن پیام انقلاب به جهانیان ضروری است. توسعه صنعت گردشگری هم می‌تواند علاوه بر مزیت‌های اقتصادی در معرفی انقلاب اسلامی ایران به جهانیان مؤثر واقع شود. ایران دارای پتانسیل بالایی در گردشگری از جمله آثار باستانی و تاریخی، جاذبه‌های طبیعی و اماکن مذهبی است و فرصت مناسبی است که با توجه به آن می‌توان دستاوردهای انقلاب را به دیگران عرضه کرد. از آنجایی که نشست‌های بین‌المللی و عمومی می‌تواند مهم‌ترین عرصه تبادل اطلاعات و در واقع ایجاد تصویری واقعی از یک کشور در نظر گرفته شود (Gonesh & Melissen, 2005: 11-12) نشست‌ها و برقراری روابط فرهنگی و علمی مثل تبادل استاد و دانشجو، برقراری ارتباط با شخصیت‌های بزرگ علمی، فرهنگی و دینی دیگر کشورها هم می‌تواند در اشاعه گفتمان انقلاب مؤثر واقع شود.

۱-۳-۱-۳. ارائه یک الگو و مدل نمونه: این روش بیشتر یک روش درون‌نگر است و اولویت را به عوامل داخلی و ملی می‌دهد. در اینجا مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده سیاست خارجی سطح ملی است (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۰). در این روش، ابتدا باید تلاش کرد تا جامعه در داخل به یک ثبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی برسد، تهدیدهای احتمالی را پشت سر بگذارد و جامعه‌ای متحد و یکپارچه شکل بگیرد و با اتکا به پشتوانه‌های محکم داخلی دستاوردها و تجربه‌های خود را به دیگران عرضه کند. از نظر روح‌الله رضانی صدور انقلاب از طریق نمونه در دو رویکرد مطرح است: یکی اسلامی کردن تمام عیار ایران از طریق اجرایی کردن اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی تا سرمشقی برای دیگران باشد، و دیگری بازسازی جامعه و اقتصاد ایران پس از جنگ و ارائه مدلی مناسب از توسعه و پیشرفت تکامل و اخلاقیات صحیح اسلامی برای جهان (رضانی، ۱۳۸۸: ۶۹). از مزیت‌های این شیوه این است که اولاً ما می‌توانیم با تمرکز بر وضعیت داخلی کشور نسبت به ساختن ایرانی آباد و الگو اقدام کنیم، دوم این که بسیاری از اتهامات و جوسازی‌های که به ایران در مورد دخالت در کشورهای دیگر نسبت داده می‌شود، خنثی می‌گردد و در نهایت باعث افزایش اعتماد عمومی به ایران و تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی می‌شود.

با این حال، نمایش کارآمدی انقلاب اسلامی در تمام زمینه‌ها می‌تواند به عنوان مهم‌ترین راهبرد در راستای صدور انقلاب که همان صدور اسلام است مورد توجه قرار گیرد (مجرد، ۱۳۸۶، ۹۱). از جمله پتانسیل‌های بالای ایران برای ارائه یک الگوی نمونه می‌توان به ارائه یک مدل نمونه اقتصادی و صنعتی در سطح منطقه با توجه به داشتن مواد اولیه و معدنی و نیروی انسانی با استعداد و متخصص اشاره کرد. همچنین، ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی برای کشورهای منطقه که امروزه علیه نظام‌های دیکتاتوری و وابسته به پا خواسته‌اند، و انگوشدن در عرصه‌های علمی و تکنولوژیک هم می‌تواند با استقبال عمومی در منطقه مواجه شود. در مجموع، مهم‌ترین شیوه صدور انقلاب را باید در ارائه یک الگوی موفق از انقلاب به جهانیان جستجو کرد. الگویی که پاسخگوی نیازهای امروز جامعه و مظلومان و محرومان باشد. ساختن ایرانی قدرتمند و پیشرفته خود به خود با استقبال دیگران مواجه خواهد شد.

۱-۳-۴. صدور انقلاب از طریق تبلیغ: امروزه، تأثیرات تبلیغات را نمی‌توان انکار کرد و یکی از راه‌های عرضه محصولات و دستاوردها در همه عرصه‌ها تبلیغ است که برای انقلاب‌ها هم صدق می‌کند و یکی از شیوه‌های اصلی صدور انقلاب اسلامی است که تنها به مقامات رسمی ایران محدود نمی‌شود، بلکه از طریق علما، دانشجویان و غیره نیز مطرح است (رمضانی، ۱۳۸۸: ۷۰). اقداماتی نظیر ایجاد بخش رایزنی فرهنگی در سفارت‌خانه‌ها و تأسیس شعبات دانشگاهی مثل دانشگاه آزاد در دیگر کشورها در راستای تبلیغ دستاوردهای انقلاب اسلامی می‌تواند مؤثر واقع شود. نهادها و سازمان‌هایی مثل وزارت امور خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و سازمان صدا و سیما می‌توانند با برگزاری نمایشگاه‌های متعدد و ارائه دستاوردهای کشور در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و ... و همچنین ساختن فیلم و مستندات متعدد در تبلیغ و صدور انقلاب اسلامی مؤثر واقع شوند.

۱-۳-۲. شیوه‌های سخت‌افزاری: صدور انقلاب در دهه اول انقلاب را می‌توان در قالب گفتمان آرمان‌گرایی بررسی کرد که در آن دو دیدگاه وجود داشت، که یکی بر ماهیت جهانشمول بودن دین اسلام و دیگری بر سرشت فراملی انقلاب تأکید داشتند. دیدگاهی که از منظر دین اسلام به صدور انقلاب می‌نگریست کاملاً نرم‌افزاری و مبتنی بر تسخیر اذهان و اندیشه ملت‌های دیگر توسط پیام‌رهای بخش اسلام بود. اما دیدگاهی که نقطه عزیمت خود را انقلاب قرار داده بود و به اعتبار رسالت انقلابی به راهبرد صدور انقلاب می‌اندیشید، از تجویز نوعی اقدام فیزیکی برای شالوده‌شکنی نظم و نظام حاکم بر جوامع دیگر ابایی نداشت. این دو دیدگاه به دو الگوی متفاوت صدور انقلاب منجر شد، در بستر رهیافت اول الگوی مسالمت‌آمیز صدور انقلاب متولد شد و در دامن رهیافت دوم الگوی قهرآمیز اشاعه‌ی انقلاب پا به عرصه وجود نهاد. هر چند این دو الگو علاوه بر جغرافیای مشترک معرفتی که حول محور ایدئولوژی اسلامی سامان می‌یافت، در حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و انقلابی نیز به عنوان ابزار برای صدور انقلاب اشتراک نظر داشتند (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۷۶).

استفاده از ابزارهای خشونت‌آمیز برای صدور انقلاب در هیچ کدام از دیدگاه‌های رسمی وارد نشده است و صرفاً در موارد محدودی در دهه اول انقلاب مثل گروه مهدی هاشمی یا گروه محمد منتظری نمود پیدا کرد که محمد منتظری اقدام به تشکیل سازمان انقلابی توده‌های

جمهوری اسلام (ساتجا) نمود و از آذر ۱۳۵۸ در صدد اعزام رزمندگان مسلمان به لبنان برآمد. این اقدام ناشی از شرایط اوایل انقلاب و عدم وجود یک الگوی مناسب و تعریف شده برای صدور انقلاب بود. اما با پایان جنگ و غلبه گفتمان واقع‌گرایی در سیاست خارجی ایران، الگوی صدور انقلاب بیشتر مسالمت‌آمیز و ماهیتی مدل‌پردازانه و الگوسازانه دارد که در آن با تأکید بر جامعه داخلی به پتانسیل‌های نهفته انقلاب توجهی ویژه دارد. هرتسینگ مدعی است که موقعیت ژئوپلیتیک ایران، وسعت، اهمیت اقتصادی و توان نظامی ایران به آن کشور امکان می‌دهد در تعدادی از تشکلهای منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس، آسیای مرکزی و دریای خزر نقش محوری یا رهبری ایفا کند (سیف زاده، ۱۳۸۹: ۲۷).

بازتاب انقلاب اسلامی بر ملت‌ها را می‌توان از گرایش و پذیرش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب تا اتخاذ شیوه‌ها و روش‌های اتخاذ شده از جمله گسترش تظاهرات عمومی علیه نظام‌های حاکم را مشاهده کرد (محمدی، ۱۳۸۴: ۵۶).

۱-۴. صدور انقلاب در قانون اساسی

از آنجایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه موازین شرعی و اسلامی تدوین شده است و چون اسلام مقوله‌ای جهانشمول است و به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود، قانون اساسی نیز توجهی ویژه به مسائل خارج از مرزها نموده و اهداف و رسالت جهانی اسلام در آن به نحوی بارز نشان داده شده است، و صدور انقلاب به عنوان یک اصل در سیاست خارجی پذیرفته شده و در قانون اساسی بر آن تأکید شده است. در مقدمه قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود. زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج فراهم می‌کند. به ویژه در گسترش روابط بین‌الملل بار دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار و مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد» (منصور، ۱۳۷۸: ۱۴). هدف اصلی سیاست خارجی ایران از نظر روح‌الله رضوانی (۱۳۸۸: ۴۷) از همان آغاز به کار حکومت جدید تبلیغ و گسترش اسلام انقلابی بود این هدف در وظیفه‌ای ریشه داشت که قرآن برای مسلمانان جهت تحقق و تبلیغ پیام الهی در سراسر گیتی معین کرده است. در حقیقت، قانون اساسی جدید ایران به وضوح نشانگر وجه اسلامی سیاست

خارجی پویا و مبارزه‌جویانه است که هدفش اتحاد دنیای اسلام و گسترش حاکمیت خداوندی در روی زمین است.

در فصل دهم قانون اساسی و در چهار اصل مواضع و اصول کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است. در اصل یکصد و پنجاه و دو قانون اساسی، ضمن توجه کافی به صدور انقلاب آمده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.» همچنین، در اصل یکصد و پنجاه و چهارم بر برخورداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر و حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در جهان تأکید شده است.

حمایت از مستضعفین و تلاش برای تحقق وحدت میان مسلمانان از نظر جمهوری اسلامی ایران این نیست که با استفاده از زور ملت‌ها را تحت حاکمیت نظام اسلامی درآورد، بلکه در پی آن است که با ایجاد وحدت فکری و روحیه برادری و برابری بین مسلمانان و ملت‌های محروم شرایطی را به وجود آورد تا آن‌ها خود علیه نظام جور قیام کرده و زمینه تشکیل حکومت مطلوب را فراهم آورند.

۲. صدور انقلاب در گفتمان‌های حاکم ایران بعد از انقلاب

توجه به رویکرد نخبگان حاکم در هر دوره و اولویت‌ها و تأکیدات آنها در سیاست خارجی می‌تواند در شناخت ماهیت صدور انقلاب مؤثر واقع شود و اشتراکات و تفاوت‌ها را نشان دهد. در ادامه، تلاش می‌شود تا با بررسی دیدگاه نخبگان حاکم در مورد صدور انقلاب، و مقایسه آنها با همدیگر، یک نظریه کلی و مورد اجماع را در سیاست صدور انقلاب اسلامی ایران ارائه داد.

۲-۱. صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی(ره)

از نظر امام خمینی(ره)، انقلاب ایران یک انقلاب اسلامی است که منحصر به ایران نیست و متعلق به همه مسلمانان است. این درک جهانشمول از اسلام و انقلاب در سخنرانی‌ها و نوشته‌های ایشان به وضوح پیداست. صدور انقلاب در اندیشه‌های حضرت امام(ره) جایگاه

خاصی دارد از نظر ایشان صدور انقلاب یک وظیفه حتمی و انقلابی به شمار می‌آید و در صورتی موفق خواهد شد که بتواند در داخل نیز یک الگوی موفق تدارک دیده و به عنوان نمونه تلقی شود. ایشان صدور انقلاب را در درجه اول به عنوان خصلت ذاتی یا اجتناب ناپذیر انقلاب اسلامی معرفی می‌نماید. از طرفی دیگر صدور انقلاب را یک تکلیف در راستای احساس حاکمیت اسلام و احکام تعالی بخش آن در داخل کشور می‌دانستند. ایشان ضمن رد شبهات و شایعاتی که از طرف دشمنان مطرح می‌شد، تصریح می‌نمایند که منظور از صدور انقلاب به هیچ عنوان هجوم نظامی و لشکرکشی به دیگر کشورهای مسلمان نیست (محمدی، ۱۳۸۵: ۶۹-۷۰).

امام با رد دیدگاه‌های موجود در مورد صدور انقلاب دیدگاه خاص خود را که برگرفته از اصول اسلامی است، ارائه می‌دهد. ایشان دیدگاه ملی‌گرایان را به دلیل پایه‌های غیر دینی آن و محدود شدن به داخل و همچنین چشم‌پوشی از اهداف جهانی اسلام رد می‌نماید و نسبت به دیدگاه تندروهای انقلابی و آرمان‌گرایان رادیکال واکنش نشان داده و استفاده از هر ابزاری برای صدور انقلاب را نفی می‌کنند و می‌فرمایند:

«این که می‌گوئیم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی غلط را از آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند، در ملت‌ها و همه دولت‌ها بشود. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند نجات بدهند» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۱۲۷).

در جایی دیگر امام ضمن توجه کامل به صدور انقلاب بر مبارزه برای ترویج اسلام و دفاع از مظلومین در برابر مستکبرین تأکید دارند:

«ما انقلابمان را به جهان صادر می‌کنیم چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله‌الا الله و محمدرسول الله (ص) بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه علیه مستکبرین ما هم هستیم» (صحیفه نور، ج ۱۱: ۲۶۶).

امام انقلاب اسلامی را الگوی ارزش‌های مطلوب مردم تحت ستم می‌دانستند و معتقد بودند انقلاب اسلامی از آن جهت که معرف آرمان‌های مردم محروم و مسلمانان مظلوم است، مورد پذیرش آنان قرار خواهد گرفت. ایشان معتقد بودند که ما از تمامی کشورهای زیر سلطه برای به

دست آوردن آزادی و استقلال کاملاً پشتیبانی می‌کنیم و به آنان صریحاً می‌گوئیم که حق، گرفتاری است. قیام کنید و ابرقدرت‌ها را از صحنه تاریخ روزگار براندازید (صدقی، ۱۳۸۶: ۷۲).

امام صدور انقلاب را برای دفع خطرات دشمنان و جهت صیانت از انقلاب ضروری می‌دانستند و یکی از اهداف صدور انقلاب را پویایی انقلاب و حفظ آن می‌دانستند: «ما باید سعی کنیم انقلابمان را صادر کنیم تمام ابرقدرت‌ها و قدرت‌های دیگر در صدد نابودی ما هستند اگر ما در یک محیط بسته بمانیم عاقبت با شکست مواجه خواهیم شد» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۲۰۲). شاخصه اصلی جهت‌گیری سیاست خارجی امام منافع و مصالح امت اسلامی است، هدف ایشان آگاهی دادن به مسلمانان است، ایشان اسلام را نه فقط برای مسلمانان بلکه برای بشریت می‌داند و صدور انقلاب هم مخاطبش فقط مسلمانان نبودند، تا جایی که نامه‌ی ایشان به گورباچف رهبر شوروی سابق را می‌توان نمونه بارز تلاش ایشان برای صدور اسلام و انقلاب دانست.

از نظر امام، راه صدور انقلاب ایجاد سرمشقی از رفتار اخلاقی اسلامی است که استفاده از زور را منع می‌کرد و می‌خواست از طریق رفتار خوب اسلامی انقلاب را صادر کند (رضائی، ۱۳۸۰: ۶۵). بنابراین، در یک جمع‌بندی کلی دیدگاه امام در مورد صدور انقلاب را می‌توان این‌گونه ذکر کرد: تأکید بر تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های اسلام و انقلاب در داخل کشور و تلاش برای رسیدن به خودکفایی، ختم چپاول‌ها و مداخلات خارجی و تلاش برای اشاعه ارزش‌های اصیل اسلامی و آرمان‌های انقلاب در خارج از راه مسالمت‌آمیز و مشروع و به دور از تنش و زور.

۲-۲. صدور انقلاب در دولت موقت تا سال ۶۰

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ تا شهادت شهید رجایی بنا به دلایلی از جمله شرایط خاص انقلابی، کوتاه بودن عمر دولت‌ها و اختلاف‌نظرهای مسئولین در حوزه سیاست خارجی رویکرد ثابتی نسبت به صدور انقلاب شکل نگرفت. در این دوره ابتدا گفتمان ملی‌گرایی و بعد از آن گفتمان آرمان‌گرایی اسلامی بر سیاست خارجی حاکم شد که رویکرد هر کدام را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۲-۱. گفتمان ملی‌گرایی: دولت موقت که دولتی لیبرال و ملی‌گرا بود، بیشتر بر جامعه داخلی تأکید داشت. در واقع، ملی‌گراها معتقد بودند که ارزش‌های انقلاب تنها در چهارچوب مرزهای

ملی قابل قبول است و نسبت به پیرامون و خارج موضعی خنثی داشتند و جهانشمول انقلاب را نادیده می‌گرفتند. دولت موقت با صدور انقلاب و حمایت از جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام مخالف بود و از حفظ وضع موجود حمایت می‌کرد (ستوده، ۱۳۸۵: ۲۳۶). گروه‌های ملی‌گرا در فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی معتقدند که تجارت بین‌المللی و ایجاد روابط سیاسی مهم‌ترین ابزار در جهان معاصر برای حفظ منافع ملی ایران است (ملکی، ۱۳۸۲: ۱۰۵). به همین دلیل، تلاش دارند تا جایی که ممکن است با سایر دولت‌ها و ملت‌ها رابطه‌ای مسالمت‌آمیز داشته باشند. در واقع، دولت موقت با علم به حساسیت ایجاد شده نسبت به انقلاب در سطح منطقه و جهان سیاستی واقع‌گرایانه را در پیش گرفت و سعی داشت از تحریک سایر کشورها خودداری کند.

گفتمان حاکم بر سیاست خارجی ایران در این دوره، گفتمان مصلحت‌محور یا واقع‌گرا بود که در آن دولت موقت تلاش می‌کرد که تابع مقررات بین‌المللی باشد و از دخالت در امور داخلی دیگران بپرهیزد و روابط ایران با سایر کشورها را که به خاطر انقلاب وارد مرحله‌ای بحرانی شده بود، بهبود بخشد. بنابراین، علاقه‌مند بود سیاست نه شرقی و نه غربی را همسو با موازنه منفی تفسیر و توجیه نماید (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۱). دولت موقت و در رأس آن مهندس بازرگان که هدف خود را خدمت به ایران از طریق اسلام عنوان می‌کرد، مخالفت علنی خود را با صدور انقلاب به هر شیوه‌ای اعلام می‌داشتند.

در اصول کلی سیاست خارجی دولت موقت، علاوه بر تمایل به غرب و نگرش نسبت به شرق، بر عدم مداخله در امور داخلی دیگران نیز تأکید شده است. همچنین، آنان با تندروی‌های گروه‌های مدعی صدور انقلاب جهت ایجاد یک حوزه امنیتی برای انقلاب به شدت مخالف بودند (بخشایش اردستانی، ۱۳۷۹: ۸۳). مخالفت دولت موقت با سیاست صدور انقلاب به گونه‌ای بود که دکتر یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت، صراحتاً اعلام داشت که «ما قصد صادر کردن انقلاب خود را نداریم» (محمدی، ۱۳۸۵: ۶۴). البته، ایشان بعدها تصریح کرد که ما با صدور انقلاب به معنای آموزش مسلحانه عده‌ای و فرستادن آنها به کشور خودشان جهت مبارزه با رژیم مخالف بودیم نه با تبلیغ اسلام و انقلاب (ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸: ۵۶). در واقع، ایشان مخالفت با صدور انقلاب را نفی‌کننده تأثیر انقلاب اسلامی و مسأله گسترش تعالیم و

قابلیت‌های اسلام در دیگر کشورها نمی‌داند، بلکه ملی‌گراها سعی داشتند تا سرحد ممکن از ایجاد تنش در روابط خارجی جلوگیری کنند. سیاست خارجی در دوران ریاست جمهوری بنی‌صدر را می‌توان ادامهٔ سیاست دولت موقت دانست که در آن صدر انقلاب پیگیری نشد و با آن مخالفت شد. اما این دیدگاه چندان دوام نیاورد و خیلی زود به حاشیه رفت و ابرگفتمان اسلام‌گرایی در برابر گفتمان ملی‌گرایی قد علم کرد و در همین گفتمان بود که سیاست صدر انقلاب جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و به طور جد در دستور کار قرار گرفت.

۲-۲-۲. گفتمان آرمان‌گرای اسلامی: حادثهٔ گروگان‌گیری و تسخیر سفارت آمریکا به مثابهٔ نقطهٔ آغاز سیادت نسبی گفتمان آرمان‌گرایانه و رویکرد صدر انقلاب در مقابل گفتمان واقع‌گرایانه بود (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۶۵). دوره‌ای که بعد از انقلاب دوم (تسخیر لانه جاسوسی) آغاز شده بود و می‌توان این دوره را آغاز سیاست صدر انقلاب دانست که با استعفای لیبرال‌ها و گروه بازرگان آغاز شد، و انقلاب دوم، اصول دوگانه نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی و صدر انقلاب را وارد سیاست خارجی ایران کرد که البته این اصل تا برکناری بنی‌صدر از ریاست جمهوری به طور کامل اجرا نشد (رمضانی، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۸).

با ریاست جمهوری شهید رجایی و ورود نیروهای حزب جمهوری اسلامی در دولت و عرصهٔ تصمیم‌گیری در واقع دوره آرمان‌گرایی و تأکید بر ارزش‌ها آغاز شد. در مواضع و اصول برنامه‌های حزب جمهوری اسلامی راهکار صدر انقلاب این‌گونه تبیین شده است: «صدر انقلاب از راه تلاش برای هر چه کامل‌تر الگوی داخلی و معرفی آن به مسلمانان و همه مردم جهان و جهانی کردن انقلاب اسلامی به دور از هر نوع شائبهٔ سلطه‌طلبی انقلابیون ایران بر دیگران و کمک به جنبش‌های آزادی‌بخش به ویژه نهضت‌های اصیل اسلامی و اعتقاد به این‌که گسترش این نهضت‌ها از عوامل دوام انقلاب اسلامی نیز هست» (مواضع ما، حزب جمهوری اسلامی: ۸۲). شهید مطهری به عنوان ایدئولوگ حزب حاکم انقلاب را محدود به ایران نمی‌دانست و معتقد بود که انقلاب به تمام کشورهای اسلامی نفوذ می‌کند: «من به تدریج این امید در دلم زنده می‌شود که این انقلاب به ایران محدود نمی‌ماند، هفتصد میلیون مسلمان را در بر خواهد گرفت و چه افتخاری برای ایران خواهد بود که یک انقلاب اسلامی از ایران شروع شود و تمام کشورهای اسلامی را زیر نفوذ خویش بگیرد، که مطمئناً خواهد گرفت»

(مطهری، ۱۳۶۸: ۲۱). همچنین، آیت‌الله بهشتی از شخصیت‌های برجسته جریان حاکم در پاسخ به پرسشی درباره صدور انقلاب گفت: «هدف ما ساختن جامعه‌ی خوبی است که مورد توجه همسایگان ما قرار گیرد. این امر باعث صدور انقلاب خواهد شد». شهید رجایی رئیس‌جمهور وقت هم ضمن تأکید بر این که صدور انقلاب به مصلحت جمهوری اسلامی است، می‌گفت: «هنگامی که ما آرمان‌های انقلاب را در ایران تحقق ببخشیم، انقلاب خود به خود به یک سرمشق تبدیل خواهد شد» (رجایی، ۱۳۸۸: ۸۸). در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت که اعضای حزب جمهوری اسلامی و دولت شهید رجایی با تأکید بر جهانشمول بودن اسلام به صدور فرهنگی انقلاب و اشاعه ارزش‌های اسلامی و انقلابی تأکید دارند.

۲-۳. صدور انقلاب در دوران دفاع مقدس

پس از استعفای دولت موقت و برکناری بنی‌صدر در خرداد ماه ۱۳۶۰، ابر گفتمان اسلام‌گرایی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم شد و تاکنون استمرار دارد (دهقانی، ۱۳۸۶: ۶۸). دوران جنگ را می‌توان دوران غلبه کامل گفتمان آرمان‌گرایی اسلام‌محور در سیاست خارجی دانست. دوران جنگ هیچ وقت باعث نشد در سیاست خارجی نسبت به صدور انقلاب و بها دادن به جنبش‌های آزادی‌بخش غافل شود. سیاست خارجی ایران در این دوره بر اساس الگوی اسلامی روابط بین‌الملل طرح‌ریزی شد و علیرغم فشارهای بسیار زیاد جهت‌گیری سیاست خارجی ایران از اصول مبارزه با ظلم و استکبار و دفاع از حقوق مسلمین و اصل نه شرقی و نه غربی و حفظ تمامیت ارضی عدول نکرد (صدقی، ۱۳۸۶: ۱۷۹). هر چند برآیند سیاست مواجهه جویانه ایران با ابرقدرت‌ها و اعضای شورای همکاری خلیج فارس بر هم خوردن موازنه قوا به نفع عراق و ناامنی فیزیکی برای ایران بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۶۱)، اما این باعث نشد که ایران از اصول خود صرف‌نظر کند و همواره سیاست صدور ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی در اولویت سیاست خارجی بود.

در دوران جنگ، مرزهای ایران در شعاع دورتری از مرزهای رسمی تعریف می‌شد و سعی بر آن بود که جنگ جنبه اعتقادی و ایدئولوژیک به خود بگیرد. طرح شعارهایی همچون عبور راه قدس از کربلا و نابودی اسرائیل در سیاست خارجی جایگاه خاصی داشت و حتی جنگ را فرصتی برای صدور انقلاب معرفی می‌کردند که البته این امر باعث جبهه‌گیری کشورهای

همسایه علیه ایران شد و به نظر می‌رسد حمایت از عراق در جنگ تحمیلی ناشی از ترس آنها از صدور انقلاب بود.

بر اساس این گفتمان، نه تنها باید آرمان‌گرایی را در ایران نهادینه کرد و در جایگاه هژمونیک نگه داشت بلکه باید تلاش کرد تا گستره آن را از طریق ایجاد کانون‌های متعدد مقاومت در برابر هژمونی جهانی فراسوی مرزهای جغرافیایی تعریف نمود و نظام جهانی تکاثر طلب را به چالش کشید. ولایتی، وزیر امور خارجه وقت و از طرفداران این گفتمان، تأکید دارد که دولت اسلامی نه تنها مؤظف به تلاش و اقدام در جهت دگرگون ساختن پایه‌های قدرت‌های ظالم و روابط ظالمانه جهانی است، بلکه اساساً امنیت واقعی و حیاتی مطلوب در سایه این تغییر تأمین می‌شود (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۳).

به طور کلی، می‌توان گفت که در دوران جنگ در مورد صدور انقلاب دودیدگاه وجود داشت: ۱- دیدگاه رادیکال‌ها، دیدگاهی که صدور انقلاب را بهانه‌ای جهت ایجاد حریم امنیتی برای انقلاب می‌دانست و برای رسیدن به این منظور با نهضت‌های آزادی‌بخش ارتباط برقرار می‌کرد و در بعضی موارد آن نهضت‌ها را به وجود می‌آورد. طرفداران این دیدگاه اصولی مانند گسترش اسلام و حاکمیت مسلمانان در جهان و دفاع از مظلومان را بهانه‌ای برای صدور انقلاب از طریق جنبش‌ها می‌دانستند.

۲- دیدگاه عمل‌گراها، که هدف اصلی را حفظ و تثبیت قدرت و نظام اسلامی در چهارچوب مرزهای ایران پیشنهاد می‌کردند و صدور انقلاب را به منظور حفظ مصالح نظام در مکانیسم امور فرهنگی توجیه و تبیین می‌کردند (بخشایش‌اردستانی، ۱۳۷۹: ۸۸-۸۷).

یکی از طرفداران صدور فرهنگی انقلاب، ولایتی وزیر امور خارجه زمان جنگ بود که می‌گفت: «ما صدور انقلاب را به شیوه فرهنگی ادامه خواهیم داد، همان‌گونه که کشورهای غربی چنین کردند. آنان گسترش افکار، فرهنگ و ارزش‌های خود را از طریق مطبوعات و دانشگاه‌ها توسط دانشجویان در حال تحصیل انجام می‌دهند» (محمدی، ۱۳۸۵: ۷۳).

به طور کلی، می‌توان گفت که گفتمان غالب بر سیاست خارجی در دوران جنگ گفتمانی ارزش‌محور و آرمان‌گراست که ما شاهد یک آرمان‌گرایی رادیکال در سال‌های اولیه جنگ تحمیلی هستیم اما با ادامه جنگ و ایجاد مشکلات اقتصادی و منزوی شدن ایران در عرصه

بین‌المللی این واقعیت بیشتر نمایان شد که برای ادامه حیات انقلاب و پشت سر گذاشتن مشکلات و جذب سرمایه‌های خارجی نیاز به همکاری و تفاهم با سایر جوامع احساس می‌شود و باعث شد که توجه ما بیشتر به حفظ نظام و انقلاب معطوف شود تا با ارائه یک الگوی مناسب در داخل بتوانیم انقلاب را به نحوی شایسته صادر کنیم. بعد از این دوره بود که گفتمان واقع‌گرای مبتنی بر توسعه در سیاست خارجی ما غلبه پیدا کرد.

۲-۴. صدور انقلاب در دولت هاشمی

با پایان یافتن جنگ، لزوم توجه جدی به ساختن ویرانی‌های ناشی از آن و رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی جامعه نخبگان تصمیم‌ساز را بر آن داشت تا با رویکردی درون‌نگر و با تأکید بر توسعه اقتصادی و معیشتی در پی ارائه مدلی نمونه از انقلاب اسلامی برآیند. با تفوق گفتمان واقع‌گرای توسعه محور در سیاست خارجی، الگوی صدور انقلاب ماهیتی شفاف‌تر و مبتنی بر صلح و به دور از تنش به خود گرفت و در آن ارائه مدلی از توسعه و پیشرفت اسلامی مد نظر قرار گرفت تا دیگر مسلمانان بتوانند از آن الگوبرداری کنند. خط مشی عملی و رفتاری ایران در صحنه سیاست خارجی در دهه دوم انقلاب را می‌توان با توجه به منافع ملی و ترتیبات منطقه‌ای و پرهیز از تحریک دیگران در قالب سیاست عادی سازی روابط مورد بررسی قرار داد. در این دوره، ایران برای دستیابی به اعتبار و قدرت، سیاستی عمل‌گرا و توأم با همزیستی با دیگران را دنبال کرد. ساز و کارهایی مانند پذیرش نظم حاکم بر روابط بین‌الملل، احترام به قواعد و اصول بین‌المللی، تلاش در به وجود آوردن فضای همزیستی با دیگران، بالخصوص همکاری با کشورهای همسایه و اروپایی در همین راستا بود (از غندی، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۵). در این دوره، واقع‌گرایان با درک این واقعیت که ایران محتاج کمک‌ها و همکاری‌های خارجی برای بازسازی است، سعی داشتند با تنش‌زدایی در روابط خارجی یک رابطه مسالمت‌آمیز و سالم با سایر کشورها داشته باشند.

در دوره سازندگی، صدور انقلاب ماهیتی اقتصادی دارد که با همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر کشورها، و ارتباط با دولت‌ها به جای ملت‌ها و گروه‌ها همراه شد و صدور انقلاب از طریق زور و دخالت در امور داخلی دیگران به شدت منع شد. هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، صدور انقلاب را این‌گونه تبیین می‌کند: «آنان که تصور می‌کنند ما از طریق جنگ و تجاوز

انقلابان را صادر می‌کنیم، در اشتباه هستند، بلکه چنانچه ما تحت شرایط موجود بتوانیم یک نوعی از توسعه متناسب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ارائه دهیم، مدلی از توسعه، پیشرفت تکامل و معنویات اسلامی به جهان امروز ارائه دهیم، آن گاه ما در آن چیزی که دنیا از آن وحشت دارد و آن صدور انقلاب اسلامی است، توفیق یافته‌ایم» (محمدی، ۱۳۸۵: ۷۸). در این دوره، نه تنها صدور انقلاب با سیاست‌های مداخله‌جویانه در امور دیگران و استفاده از زور و تهدید به شدت نهی شده است، بلکه تلاش می‌شود با استفاده از سیاست عادی‌سازی روابط و تنش‌زدایی، محیطی فراهم شود که در آن بتوان در آرامش کامل و با حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی در داخل یک الگو و مدل نمونه اقتصادی ارائه داد تا سرمشقی برای دیگر کشورهای منطقه باشد.

در دیدگاه آقای هاشمی رفسنجانی، علاوه بر ارائه مدلی از توسعه و پیشرفت اقتصادی، ارائه فکر و پیام اسلام و انقلاب هم موجب صدور انقلاب می‌شود. «کاخ سفید عادت کرده است که این طور فکر کند که انقلاب اسلامی در صدد صدور انقلاب از طریق جنگ می‌باشد. این برداشت موجب ترس همسایگان ما شده بود. ولی اینک آن‌ها می‌دانند که قصد ما از صدور انقلاب، ارائه فکر، ایده و راه قرآن به جهان می‌باشد» (محمدی، ۱۳۸۵: ۷۸). به همین دلیل بود که صدور انقلاب بعد از جنگ در سطح بالاتری پیگیری شد و به همه ابعاد و پتانسیل‌هایی که می‌توانست صدور انقلاب را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تسهیل کند، مورد توجه قرار گرفت.

به طور خلاصه، می‌توان گفت که دیدگاه غالب در دوران سازندگی نسبت به صدور انقلاب دیدگاهی درون‌نگر است که در آن بر ساختن جامعه‌ای الگو و نمونه از نظر اقتصادی و اجتماعی تأکید شده است؛ یعنی الگویی که خود به خود مورد استقبال دیگران قرار گیرد.

۲-۵. صدور انقلاب در دولت خاتمی

با پیروزی آقای خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶ دورانی آغاز شد که در پی آن بود تا با طرح شعار جامعه مدنی در داخل، زمینه تحقق الگویی از انقلاب را فراهم آورد و در سیاست خارجی هم با طرح تز تنش‌زدایی و گفت و گوی تمدن‌ها در پی ارائه چهره‌ای مثبت و مسالمت‌آمیز از ایران نزد جهانیان برآمد. سیاست تنش‌زدایی خاتمی ترس برخی همسایگان را از صدور انقلاب ایران کم

کرد و تفاهم بیشتر جایگزین آن شد. به طوری که بعد از نشست سران سازمان کنفرانس اسلامی در آذرماه ۱۳۷۶ در تهران، شرکت‌کنندگان در بیانیه پایانی، بر ضرورت تعامل مثبت، گفت‌وگو و تفاهم میان فرهنگ‌ها و مذاهب تأکید کردند و فرضیه برخورد و درگیری را که موجب بی‌اعتمادی و تضعیف صلح است، مردود شمردند (دبیرزاده، ۱۳۸۲، ۲۴۸-۲۴۹).

بر اساس اصول مطرح شده در سیاست خارجی دولت خاتمی که بر تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید دارد، ایران می‌بایست به صورت یک قدرت مدنی در صحنه بین‌المللی رفتار کند (کریمی فرد، ۱۳۸۸: ۱۷۹). در گفتمان جدید که مبتنی بر صلح‌گرایی بود، صدور انقلاب به معنای ایجاد یک نظام مردمسالار در داخل ایران و ارائه آن به جهانیان به عنوان یک الگو مطرح است و بر بُعد مردمی بودن انقلاب اسلامی تأکید بیشتری شد.

در این دوره از جامعه مدنی و گفت‌وگوی تمدن‌ها به مثابه ابزاری برای صدور انقلاب استفاده شد، چرا که در بستر جامعه مدنی جهانی و مردم‌سالاری بین‌المللی که بر پایه تفاهم همه کشورهای و ملت‌ها شکل می‌گیرد، زمینه عرضه افکار و اندیشه‌های انقلاب اسلامی که مبتنی بر فطرت خداجوی و حق‌طلب انسان است، فراهم است. در گفت‌وگوی تمدن‌ها، جمهوری اسلامی می‌تواند اندیشه‌ها و آرمان‌های خود را تبیین و عرضه کند و کشورها و ملت‌های دیگر می‌توانند آزادانه و داوطلبانه از آن نسخه برداری کنند. بنابراین، می‌توان گفت که صدور انقلاب فرایندی برای معرفی نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک الگوی نظام حکومتی اسلامی نمونه در جهان معاصر است (تاجیک و دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۷۴). گفتمان مسالمت‌آمیز جدید با استقبال رو به رو شد و تنش‌زدایی پیگیری شد و بسیاری از سفرای کشورهای اروپایی به ایران برگشتند. چهره‌ای معتدل و میانه از ایران ترسیم شد و ایده گفتگوی تمدن‌ها که در این دوره مطرح شد، تأثیر مثبتی در شناساندن انقلاب اسلامی به دیگران داشت تا جایی که سال ۲۰۰۱ به نام سال گفتگوی تمدن‌ها نامگذاری شد. در این دوره، بر صدور انقلاب به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و براساس گفت‌وگو بر مبنای عقلانیت و در چهارچوب قواعد بین‌المللی تأکید می‌شود. ارائه الگوی جامعه‌ای دمکرات و مسلمان تحت عنوان الگوی مردم‌سالاری دینی در این دوره پیگیری می‌شد.

۲-۶. صدور انقلاب در دولت احمدی‌نژاد

با پیروزی آقای احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ و طرح شعارهایی مانند عدالت‌طلبی و تأکید بر ارزش‌های انقلاب از سوی ایشان، به نوعی بازگشت به گفتمان ارزش‌محور دهه اول انقلاب بود که با ناعادلانه خواندن مدیریت بین‌المللی خواستار تغییر در ساختار مدیریت بین‌الملل و توجه بیشتر به ملت‌های محروم و مظلوم است. با این وجود، الگوی صدور انقلاب در این دوره همچنان مسالمت‌آمیز است و مانند دوران سازندگی و اصلاحات، در چهارچوب دکترین «ام‌القرای اسلامی» تعریف و تبیین می‌شود. اما در این دوره بر بعد رهبری ام‌القرای در جهان اسلام و رسالت جهانی آن تأکید و تمرکز می‌شود، و صدور انقلاب ماهیتی برون‌گرا می‌یابد که معطوف به محیط پیرامونی و بیرونی جمهوری اسلامی است (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۳۰). آقای احمدی‌نژاد مؤلفه‌های اصلی راهبرد سیاست خارجی خود را حفظ استقلال همه جانبه کشور و تعامل بین‌المللی بر مبنای عدالت، صلح و عزت برای همه، مبارزه با بی‌عدالتی و تبعیض، ناامنی و تحقیر ملت‌ها و جنگ افروزی مطرح نمود (کریمی فرد، ۱۳۸۸: ۱۸۰). در واقع، این الگو به دنبال ساختن جامعه‌ای نمونه بر مبنای پایه آموزش‌های اسلام و ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب در داخل و اشاعه و گسترش این آرمان‌ها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است تا بتواند نظام ناعادلانه جهان را اصلاح کند و با تشکیل جامعه جهانی اسلامی، زمینه را برای حکومت مهدوی فراهم نماید.

سیاست خارجی ایران در این دوره نسبت به دوره‌های قبلی مواجهه‌جویانه‌تر به نظر می‌رسد و مواضع ایران در قبال موضوعاتی مثل انرژی هسته‌ای، اسرائیل و هولوکاست باعث ایجاد تنش گردید، اما ایستادگی ایران بر مواضع خود توأم با موفقیت بود و با استقبال مردم منطقه رو به رو شد و تهدیدهایی را که به دنبال ایجاد اختلاف بین کشورهای منطقه بود، کمرنگ ساخت. برای نمونه، «تریتا پارسی»^۱ معتقد است که موضع‌گیری آقای احمدی‌نژاد علیه اسرائیل باعث شد طرح هلال شیعی ناکام بماند و مردم از آن حمایت نکنند (پارسی، ۲۰۰۷: ۴). در واقع در این دوره گفتمان انقلاب اسلامی بیش از آن که شیعی باشد بر اتحاد اسلامی تأکید دارد.

^۱. Trita Parsi

سیاست خارجی ایران در این دوره در پی ارائه الگوی دولت عدل اسلامی به جهان به ویژه مسلمانان و مستضعفان است، و مهم‌ترین کارکرد و کارویژه جمهوری اسلامی ایران تأمین عدالت و گسترش آن در سطح بین‌المللی است (دهقانی، ۱۳۸۶: ۷۶). احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران، یکی از مسؤولیت‌های سنگین ملت ایران را معرفی انقلاب اسلامی به جهان می‌داند. ایشان ضمن تأکید بر معرفی انقلاب اسلامی به بشریت می‌گوید: «باید این مکتب و الگو را تبیین و به ملت‌های تشنه دنیا معرفی کنیم»؛ زیرا مأموریت جمهوری اسلامی تنها ایجاد دولت الگوی اسلامی در درون ایران نیست، بلکه مسؤولیت بزرگ‌تر و مهم‌تر آن معرفی و ترویج الگوی توسعه یافته عدل اسلامی به سایر ملت‌ها و کشورهاست (دهقانی‌فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۳۱). به چالش کشیدن نظام مدیریت بین‌المللی توسط آقای احمدی‌نژاد و ناعادلانه خواندن آن، در واقع نفی ساختاری بود که مانع از رواج اندیشه‌ها و ایده‌های دیگر ملت‌ها به سایر نقاط جهان می‌شود و نیاز است تا ساختار حاکم برداشته شود تا ملت‌ها آزادانه سرنوشت خود را انتخاب کنند و در این صورت می‌توان انتظار داشت صدای عدالت‌طلبانه ایران به گوش جهانیان برسد و از آن استقبال کنند.

سیاست خارجی ایران در این دوره ضمن بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی، برخلاف دولت‌های قبلی که بیشتر توجه خود را معطوف مسؤولین و مقامات رسمی کشورها می‌کرد، به ملت‌ها و گروه‌های غیررسمی توجهی ویژه دارد و ملت‌ها را به ظلم‌ستیزی و مقابله با نظام هژمونیک دعوت می‌کند. رئیس‌جمهور ایران برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی در این دوره از ابزارهایی مثل نامه‌نگاری و پیام برای ملت‌ها و سخنرانی در نهادهای عمومی مثل مجمع عمومی سازمان ملل و یا از جمله سخنرانی در دانشگاه کلمبیا استفاده می‌کند. در مجموع باید گفت که سیاست صدور انقلاب در این دوره ماهیتی مسالمت‌آمیز و ارزش‌محور دارد که در آن بر ایجاد جامعه نمونه اسلامی تأکید می‌شود و دولت در تلاش است تا با ابزارهایی مثل دیپلماسی عمومی و استفاده از قدرت نرم و تأکید بر آرمان‌ها و ارزش‌ها و توجه بیشتر به ملت‌ها به ویژه محرومین و مستضعفین پیام انقلاب اسلامی را به گوش جهانیان برساند.

نتیجه‌گیری

صدور انقلاب را می‌توان برآمده از جهانشمول بودن اسلام و همچنین پیام‌ها و آرمان‌های فراگیر انقلاب اسلامی دانست که ترویج این آرمان‌ها و ارزش‌ها یک تکلیف و رسالتی انقلابی بود. گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی و توجه این گفتمان‌ها به سیاست صدور انقلاب را می‌توان در دو دسته: آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی تقسیم‌بندی کرد. بعد از سقوط دولت موقت و خلع بنی‌صدر از ریاست جمهوری که گفتمان ملی‌گرایی را دنبال می‌کردند و اعتقادی به صدور انقلاب نداشتند، گفتمان اسلام‌گرایی بر سیاست خارجی حاکم شد. در سال‌های اولیه جنگ تحمیلی، دیدگاه آرمان‌گرای اسلام محور حاکم شد، که بر بعد جهانشمول بودن دین اسلام تأکید داشت و در پاره‌ای از اوقات هم استفاده از اقدام فیزیکی را نفی نمی‌کرد، اما با ادامه جنگ آرمان‌گرایان با پذیرش واقعیت‌های موجود دیدگاه‌های خود را معتدل ساختند و کم‌کم راه برای ظهور گفتمان واقع‌گرایی باز شد.

با پایان جنگ، گفتمانی عمل‌گرا و واقع‌نگر بر سیاست خارجی حاکم می‌شود که در دوره سازندگی ارائه مدلی از توسعه و پیشرفت اقتصادی در دستور کار قرار می‌گیرد و صدور انقلاب ماهیتی اقتصادی و الگو پردازانه به خود می‌گیرد. این مدل در صورتی که کارآمد و موفق باشد، دیگران داوطلبانه از آن الگو برداری می‌کنند. در دولت اصلاحات هم ضمن تأکید بر الگوپردازی، این بار الگوی سیاسی- فرهنگی در دستور کار قرار می‌گیرد و با طرح شعار جامعه مدنی و طرح گفت و گوی تمدن‌ها راهکار صدور انقلاب را در تفاهم و صلح با جهانیان می‌داند و سعی دارد با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، الگویی برای سایر کشورهای اسلامی ارائه دهد. الگوی صدور انقلاب بعد از سال ۸۴ نیز مسالمت‌آمیز و با گرایش ایجاد رابطه بیشتر با ملت‌ها و گروه‌های غیر رسمی است که در پی ارائه مدلی از دولت اسلامی عدالت‌محور است.

با نگاهی به مطالب مطرح شده به این نتیجه می‌رسیم که ۱- سیاست و موضع رسمی جمهوری اسلامی همواره صدور مسالمت‌آمیز انقلاب بوده است. ۲- تأکید بر قدرت نرم انقلاب اسلامی و صدور نرم‌افزاری انقلاب از ابزارهای اصلی گسترش و اشاعه انقلاب است. ۳- تلاش برای الگوسازی و ارائه یک الگوی موفقیت‌آمیز از انقلاب اصلی که مورد پذیرش دیگران باشد، کارآمدترین راه صدور انقلاب است.

منابع

۱. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱)؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر قومس.
۲. بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۷۹)؛ اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر آوای نور، چاپ دوم.
۳. تاجیک، محمدرضا و جلال دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۲)؛ الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران، راهبرد، شماره ۲۷، بهار.
۴. حقیقت، صادق (۱۳۷۶)؛ مسؤلیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۵. خرمشاد، محمد باقر (۱۳۸۱)؛ انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن در رویکرد نظری، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، شماره یک، بهار.
۶. دبیرزاده، شهریار (۱۳۸۲)؛ تأثیر گفت و گوی تمدن‌ها بر سیاست خارجی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره یک، بهار.
۷. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۳)؛ نگاهی کوتاه به کارنامه نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی، مجله دانشگاه اسلامی، شماره ۲۳ و ۲۴، پاییز و زمستان.
۸. دهقانی فیروزآبادی، جلال و فیروزه رادفر (۱۳۸۸)؛ الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان.
۹. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸)؛ امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی، شماره اول اول، بهار.
۱۰. دهقانی، سید جلال (۱۳۸۶)؛ گفتمان اصولگرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد، دانش سیاسی، شماره پنج، بهار و تابستان.
۱۱. رجایی، فرهنگ (۱۳۸۸)؛ ایدئولوژی و جهان‌بینی ایرانی: صدور فرهنگی انقلاب، در جان ال اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، چاپ سوم.
۱۲. رضانی، روح‌الله (۱۳۸۰)؛ چهارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.

۱۳. رضائی، روح‌الله (۱۳۸۸)، صدور انقلاب ایران: سیاست، اهداف و وسایل، در جان ال اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، چاپ سوم.
۱۴. ستوده، محمد (۱۳۸۵)، تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه بوستان کتاب.
۱۵. سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۴)، سیاست خارجی ایران، تهران، نشر میزان.
۱۶. سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۹)، همگرایی منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران با نگاهی به آسیای جنوب غربی، فصلنامه روابط خارجی، شماره پنج، بهار.
۱۷. صحیفه نور (ج ۱۳، ۱۲، ۱۱)، مجموعه وصایای امام خمینی (ره)، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا سال ۶۸، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۹. ظریفی‌نیا، حمیدرضا (۱۳۷۸)، کالبد شکافی جناح‌های سیاسی ایران از ۵۸ تا ۷۸، تهران، انتشارات آزادی اندیشه.
۲۰. کریمی‌فرد، حسین (۱۳۸۸)، تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مؤلفه‌های هویت ملی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد شهرضا، شماره دو، تابستان.
۲۱. مجرد، محسن (۱۳۸۶)، تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۲. محمدی، منوچهر (۱۳۸۴)، بازتاب جهانی انقلاب، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره دو، پاییز.
۲۳. محمدی، منوچهر (۱۳۸۵)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران، مجله پانزده خرداد، شماره ۱۶، تابستان.

۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، نشر صدرا.
۲۶. ملکی، عباس (۱۳۸۲)، فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران، مجله راهبرد، شماره ۲۷، بهار.
۲۷. ملکی، عباس (۱۳۸۵)، کندکاوها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مفاهیم مطرح و فرآیند انجام در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، راهبرد یاس، شماره پنج، بهار.
۲۸. منصور، جهانگیر (۱۳۷۸)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دوران.
۲۹. مواضع ما، مواضع و اصول برنامه‌های حزب جمهوری اسلامی
30. Amuzegar, Jahangir (1998); khatamis iran one year later, middle east policy, vol VI, no2, October.
31. Cneryl Benard and Izalmy Khalilzad (1984), the government of god: irans Islamic republic, new York: cloumbia university press.
32. Eddin Ibrahim (2002); Egypt islam and democracy, cariro: the American university of gario press.
33. Fox, Janathan (2008); aworld survey of religion and the state, new York Cambridge university press.
34. Menashri, David (1990); the Iranian revelation and the muslim world, west review press.
35. Nye, Joseph (2004); soft power: the means to success in world politics new York: public affairs.
36. Parsi, Trita (2007); treacherous alliance: the secret dealings of Israel, hran and the united states, Princeton, yale university press.
37. Sampson, Martin (1987); culture influences on foreign policy, in carle Hermann f. Charles w. kegley new pirections in the study of foreign policy, boston; allen and unwın.
38. Gonesh, ashvin and jan melissen (2005); public diplomacy: improving practice nethrlands institute of international relations clingedael. www. Clingendael.ni/ publications/ 2005/ 20051000-cdsp- paper- diplomacy- 5- gonesh- melissan. Pdf.